

ترس

ترامپ در کاخ سفید

باب وودوارد

به گردان: میلاد فشتمی



نشر اختران

سرشناسه	: وودوارد، باب، ۱۹۴۳ - م.
عنوان و پدیدآور	: ترس: ترامپ در کاخ سفید/ باب وودوارد؛ برگردان میلاد فشتمی.
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۷۲ ص. مصور: رقعی.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۹۲-۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	: ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶ - م.
موضوع	: Trump, Donald :
موضوع	: رؤسای جمهور - ایالات متحده - سرگذشتنامه.
موضوع	: Presidents -- United States -- Biography :
موضوع	: ایالات متحده - سیاست و حکومت - قرن ۲۱ م.
موضوع	: United States -- Politics and government -- 21 st century :
شناسه افزوده	: فشتمی، میلاد، ۱۳۶۴ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۹۱۲/۹ ت ۴ ۱۳۹۷ E
رده‌بندی دیویی	: ۹۷۳/۹۱۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۹۰۳۲۴

Fear: Trump in the White House , 2018

عنوان اصلی:



نشر اختران

ترس: ترامپ در کاخ سفید

باب وودوارد

مترجم: میلاد فشتمی

چاپ اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی بهمن

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
instagram: akhtaranpub - www.akhtaranbook.ir - info@akhtaranbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۱۹۲-۰

همه حقوق محفوظ است

بها: ۵۵۰۰۰ تومان

سخنی با خوانندگان

مصاحبه‌های مرتبط با این کتاب همه بر اساس اصل خبرنگاری «سابقه عمیق» انجام شده‌اند. این موضوع به این معناست که می‌توانم از تمامی این اطلاعات استفاده کنم، اما از ذکر نام تأمین‌کننده آن‌ها معذور خواهم بود. این کتاب با استفاده از اطلاعات مطرح شده در صدها ساعت مصاحبه با شرکت‌کنندگان دست اول و شاهان این اتفاقات به رشته تحریر درآمده است. تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان به من اجازه دادند که مصاحبه‌هایمان را ضبط کنم تا داستان به شکل دقیق‌تری روایت شود. هر کجا که نقل قول دقیق، و یا فکرها و نتیجه‌گیری‌های شرکت‌کنندگان در این تفاهات را آورده‌ام، این اطلاعات از خود آن شخص، و یا همکاری با اطلاعات مستقیم دست اول، و یا از یادداشت‌های جلسات، دفترچه‌های خاطرات شخصی، و یا فایل‌ها و مدارک شخصی و یا دولتی به دست آمده‌اند.

رئیس‌جمهور ترامپ درخواست مصاحبه برای این کتاب را رد نمود.

در اوایل ماه سپتامبر سال ۲۰۱۷، و در هشتمین ماه ریاست جمهوری ترامپ، گری کوهن^۱، رئیس سابق شرکت گلدمن سکز و مشاور عالی اقتصادی رئیس‌جمهور در کاخ سفید، با احتیاط به میز کار رئیس‌جمهور در دفتر بیضی^۲ نزدیک شد.

کوهن با قامتی ۱۹۰ سانتی‌متری و موهای کم پشت، و شخصیتی بی‌پروا و پر از اعتماد به نفس - در ۲۷ سالی که در گلدمن مشغول به کار بود برای موکلینش میلاردها دلار، برای خودش چندصد میلیون دلار، سود به دست آورده بود. او برای خریدش این امتیاز ویژه را در نظر گرفته بود که هر وقت می‌خواهد وارد دفتر بیضی ترامپ شود، و رئیس‌جمهور هم این درخواست او را پذیرفته بود.

بر روی میز، پیش‌نویس نامه‌ای تک برگه قرار داشت که خطاب به رئیس‌جمهور کره جنوبی نوشته و در آن به لغو پیمان تجارت آزاد آمریکا-کره جنوبی اشاره شده بود.

کوهن وحشت زده شد. ماه‌ها می‌شد که ترامپ تهدید خروج از این پیمان می‌کرد؛ پیمانی که سنگ بنای یک رابطه اقتصادی، یک اتحاد نظامی، و از همه مهم‌تر، عملیات‌ها و توانمندی‌های اطلاعاتی فوق سری محسوب می‌شد.

بر اساس معاهده‌ای که سابقه اش به دهه ۱۹۵۰ میلادی بازمی‌گشت ایالات متحده ۲۸۵۰۰ نیروی آمریکایی را در خاک کره جنوبی مستقر کرده بود و برنامه‌های دسترسی ویژه حساس و فوق‌محرمانه‌ای را اجرا می‌کرد. به اطلاعات فوق‌محرمانه‌ای پیچیده و رمزگذاری شده و توانمندی‌های نظامی را برای این کشور فراهم می‌کرد. موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای کره شمالی اکنون قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای را شاید حتی تا خاک آمریکا نیز به دست آورده

1. Gary Cohn

۲- دفتر بیضی یا دفتر خاک‌دیس نام دفتر و محل کار رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است.

بودند. موشکی که از کره شمالی شلیک شود، تنها ۳۸ دقیقه بعد به لوس آنجلس خواهد رسید.

این برنامه‌ها به ایالات متحده اجازه می‌داد که تنها ۷ ثانیه پس از شلیک موشک بالیستیک قاره‌پیما در کره شمالی از این اتفاق مطلع شود. قابلیت مشابه پایگاه آلاسکا پانزده دقیقه به طول می‌انجامد، که تفاوتی بسیار چشمگیر است. توانایی اطلاع از شلیک در تنها ۷ ثانیه، این فرصت را در اختیار ارتش آمریکا قرار می‌دهد که موشک متعلق به کره شمالی را در هوا منهدم کند. احتمالاً این مهم‌ترین و محرمانه‌ترین عملیات دولت ایالات متحده است. حضور آمریکا در کره - نوبی طرف ذات امنیت ملی است.

خروج از پیمان تجارت آزاد که برای اقتصاد کره جنوبی حیاتی به‌شمار می‌رفت، می‌توانست به‌جای به دست رفتن تمام روابط دو کشور شود. کوهن نمی‌توانست باور کند که رئیس‌جمهور ترامپ می‌خواهد ریسک از دست دادن منابع اطلاعاتی حیاتی برای امنیت ملی کشور را به جان بخرد.

ریشه این تصمیم هم در حساسیت ترامپ از این موضوع بود که توازن مبادلات سالانه دو کشور سالانه ۱۸ میلیارد دلار، سود کره جنوبی بود و ایالات متحده سالانه ۳/۵ میلیارد دلار صرف استقرار و نگهداری در خاک این کشور می‌کرد.

علی‌رغم گزارشاتی که تقریباً هر روز از اختلافات درونی و هرج و مرج در کاخ سفید منتشر می‌شد، مردم نمی‌دانستند که شرایط داخل آنجا واقعاً تا چه حد بد بود. ترامپ مرتب در حال تغییر نظر بود؛ به ندرت در تصمیم‌ها استوار می‌ماند و بسیار دمدمی مزاج بود. ممکن بود روزی در حال درج خوبی نباشد و مسئله کوچک و یا بزرگی او را خشمگین کند، و ناگهان درباره پیمان تجارت آزاد با کره جنوبی بگوید: «امروز از پیمان خارج می‌شیم.»

اما اکنون آن نامه روی میز بود، به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷. نامه‌ای که ماشه‌ای بالقوه برای یک فاجعه امنیت ملی به‌شمار می‌رفت. کوهن نگران بود که ترامپ در صورت دیدن نامه، آن را امضاء کند.

کوهن پیش‌نویس نامه را از روی میز کار رئیس‌جمهور برداشت و آن را در پوشه‌ای آبی رنگ گذاشت که روی آن نوشته شده بود: «نگهداری شود.»

او بعدها به یکی از شرکایش گفت: «من نامه رو از رو میزش دزدیدم. نمی‌تونستم اجازه بدم اون نامه رو ببینه. اون هیچوقت اون سند رو نمی‌بینه. باید از مملکت محافظت می‌کردم.»

در آنارشی و بی‌نظمی کاخ سفید، و البته ذهن ترامپ، رئیس‌جمهور هرگز متوجه گم شدن نامه نشد.

در حالت عادی، راب پورتر، دبیر ستاد کارکنان کاخ سفید و هماهنگ کننده تشریفات، اداری و نامه‌نگاری‌های رئیس‌جمهور، باید مسئول تنظیم چنین نامه‌هایی، رئیس‌جمهور کره جنوبی می‌بود. اما این بار به شکل نگران‌کننده‌ای، پیش‌نویس نامه از کاخ سفید، معلومی راهش را به دفتر رئیس‌جمهور باز کرده بود. دبیر ستاد کارکنان یکی از نامه‌های کم ارزش اما در عین حال کلیدی در هر دوره از کاخ سفید است. نامه‌ها می‌رسد که پورتر مشغول توضیح دادن روند نامه‌های تصمیم‌گیری و سایر اسناد مربوط به سیاست جمهوری به ترامپ بود که شامل مجوزهای بسیار حساس امنیت ملی در باره عملیات‌های نظامی و فعالیت‌های مخفی سی‌آی‌ای نیز می‌شد.

پورتر لاغر اندام، چهل ساله بود و قاتل به ۱۹۵ سانتی‌متر می‌رسید. او که یک موزون بود، جزو مردان خاکستری به شمار می‌رفت: او یک مرد سازمانی با زرق و برق بسیار کم بود که در خود دانشگاه هاروارد، دانشکده حقوق آن تحصیل کرده و بورسیه رودس^۱ بود.

پورتر بعدها متوجه شد که چندین کپی از پیش‌نویس آن نامه وجود داشت، اما او و کوهن هرگز اجازه ندادند که یکی از آن‌ها روی میز کار رئیس‌جمهور باقی بماند.

کوهن و پورتر با همکاری یکدیگر تلاش می‌کردند تا از تصمیم‌هایی که آن‌ها را ناگهانی‌ترین و خطرناک‌ترین دستورهای ترامپ می‌دانستند، جلوگیری کنند. آن سند و سندهای مشابه دیگر تنها ناپدید می‌شدند. گاهی اوقات وقتی یک پیش‌نویس روی میز ترامپ بود و او قصد مطالعه‌اش را داشت، کوهن به شوخی

۱- بورس تحصیلی ویژه دانشجویان آمریکا و کشورهای مشترک المنافع بریتانیا برای تحصیل در دانشگاه آکسفورد انگلستان.

آن را از روی میز می کشید و رئیس جمهور هم آن را فراموش می کرد. اما اگر روی میز کارش باقی می ماند، آن را امضاء می کرد. کوهن در جمعی خصوصی در این باره گفت: «موضوع این نیست که ما برای کشور چنی کار کردیم. بحث اینه که ما خودش رو از انجام چه کارهایی نجات دادیم.»

این چیزی کم از یک کودتای دولتی نداشت؛ نادیده گرفتن خواست رئیس جمهور ایالات متحده و اختیاراتی که قانون اساسی در اختیار او قرار داده است.

علاوه بر انجام هماهنگی های مربوط به تصمیمات و خط مشی ها و برنامه های زبانی و انجام نامه نگاری های رئیس جمهور، پورتر به یکی از همکارانش گفت که، یک سوم کار من این بود که سعی کنم نسبت به ایده های خیلی خطرناکی که داشتم واکنش نشون بدم و سعی کنم براش دلایلی بیارم که متقاعد بشه اون ایده ها چندان هم فکرهای مناسبی نبودن.»

استراتژی بعدی اینجاست: تأخیر، به تعویق انداختن و یادآوری محدودیت های قانونی بود. پورتر گفت: «اما کند است» دادن کارها، یا مطرح نکردن موضوعات با اون، یا اینکه بهش بگم... که البته فقط هم یونه نبود... مثلاً بگم که این رو باید بررسی کنیم، یا روی این باید بیشتر کار کنیم، یا بیم حقوقی در مورد این موضوع بهمون چراغ سبز نشون نداده... این جور چیزها در برابر بیشتر از این اتفاق می افتاد که برگه ها رو از روی میز برداریم. حس می کردیم که انگار همیشه داریم رو لبه پرتگاه راه می ریم.»

روزها و هفته هایی بودند که به نظر همه چیز تحت کنترل بود، گویی چند قدمی از لبه پرتگاه فاصله می گرفتند. «اما بعضی وقت ها انگار از لبه پرتگاه می افتادیم و اقدامی صورت می گرفت. دقیقاً مثل این بود که انگار همیشه داریم رو لبه پرتگاه راه می ریم.»

اگرچه ترامپ هرگز به نامه گمشده ۵ سپتامبر اشاره ای نکرد، اما فراموش هم نکرد که در رابطه با پیمان تجارت آزاد چه کار می خواست انجام دهد. پورتر به یکی از همکارانش گفت: «چندین نسخه متفاوت از اون نامه نوشته شد.»

بعدها در یکی از جلسات اتاق بیضی بحث داغی درباره توافقنامه با

کره جنوبی در گرفت. ترامپ گفت: «برام مهم نیست. دیگه از این بحث‌ها خسته شدم. دیگه نمی‌خوام در موردش چیزی بشنوم. ما از پیمان تجارت آزاد با کره جنوبی خارج می‌شیم.» و شروع به انشای متن نامه‌ای کرد که قصد داشت آن را ارسال کند.

جرد کوشنر^۱، داماد رئیس‌جمهور، سخنان ترامپ را کاملاً جدی گرفت. جرد ۳۶ سال یکی از مشاورین ارشد کاخ سفید بود که ظاهری آرام و تا حدی شبیه به اشراف رده ۱۹ داشت. او در سال ۲۰۰۹ با دختر ترامپ، ایوانکا، ازدواج کرده بود. جرد جرد روی نزدیک‌ترین صندلی به شخص رئیس‌جمهور نشسته بود، شروع به گاکس جملات ترامپ کرد.

ترامپ به اصرار خود را که نامه را به پایان برساند و برای امضاء به او تحویل دهد.

جرد در حال تبدیل جملات ترامپ به یک نامه جدید بود که پورتر در جریان موضوع قرار گرفت.

او به جرد گفت: «پیش‌نویس رو بنویس برای من. اگه قراره این کار رو بکنیم نمی‌تونیم نامه رو روی یه دستمال کاغذی بنویسیم. باید یه جوری بنویسیمش که مایه شرمندگیمون نشه.»

کوشنر نسخه‌ای کاغذی از پیش‌نویس را برای ترامپ برد. چندان به درد نمی‌خورد. پورتر و کوهن متنی را تایپ کردند تا چنین رانند کنند که در حال انجام دادن دستور رئیس‌جمهور هستند. ترامپ در انتظار یک پاسخ سریع بود. آنها نمی‌توانستند با دست خالی وارد دفترش شوند. پیش‌نویس بخشی از نقشه‌شان بود.

در یک جلسه رسمی، مخالفان خروج از پیمان تجارت آزاد تمام دلائلشان را مطرح کرده بودند: ایالات متحده هرگز از یک پیمان تجارت آزاد خارج نشده بود؛ تبعات حقوقی در پی داشت؛ مسائل ژئوپولیتیک ایجاد می‌کرد؛ پای مسائل اطلاعاتی و امنیت ملی حیاتی در میان بود. نامه هنوز آماده نبود. آنها با حقایق و منطق رئیس‌جمهور را بمباران کردند.